

# فرهنگ

<div><div><span><span>📅</span></span></div><div><div>دوشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۳</div></div></div>
<div><div><span><span>📰</span></span></div><div><div>شماره ۴۲۹۴</div></div></div>
<div><div><span><span>🌐</span></span></div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY.COM</div></div></div>
<div><div><span><span>🌐</span></span></div><div><div>FARHIKHTEGANONLINE</div></div></div>

**مریم قاضی** – **محمدحسین سلطانی گروه فرهنگ**

حدود یک‌ماه پس از روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی در سال ۷۲ و در روزهایی که علی لاریجانی سکندار وزارت ارشاد است، گروه تولید مجموعه روایت فتح به دیدار رهبر انقلاب می‌روند، ریشان پشت میکروفون می‌روند، هنوز محاسن شان آقدری سفید نشده و رو به رویشان تیمی نشسته که نزدیک به شش ماه است، کارگردانان یعنی مرتضی آوینی را در دست داده‌اند اما همه صحبت‌های رهبر انقلاب یک نمایش بایستی در همه بخش‌ها، آن حد نصاب هنری واقعاً رعایت و دور می‌ماند؛ اما از لحاظ هنرمند و بازیگر، خیلی مشکل نداریم. هنرپیشه‌های خیلی قوی خوبی داریم، به خصوص در کار جنگ که عده‌ای حساب شده وارد شده‌اند و به میدان آمده‌اند. لکن فیلمنامه‌ها غالباً ضعیف است.»

دولت عوض می‌شود و حالا رویکرد ارشاد و تلویزیون هم تا حد زیادی تغییر کرده است، اما در دیدار رهبر انقلاب با هنرمندان و مسئولان سیما در سال ۸۱، صحبت‌ها شبیه به صحبت‌های سال ۷۲ است؛ «هنرمندی، هم در نوشتن داستان فیلم لازم است، هم در بازی‌ها، هم در کارگردانی و هم در بقیه کارهای فنی یک نمایش بایستی در همه بخش‌ها، آن حد نصاب هنری واقعاً رعایت و حفظ شود تا بتواند آن پیام را درست القانند. این کاری خیلی مهم و البته دشوار است. یک درجه پایین‌تر از آن، محاوره‌ها یا به قول شما دیالوگ‌های فیلم است که خیلی مهم است. از اینها نباید غفلت کرد.»

نه‌خاتمی‌روی‌صندلی ریاست جمهوری است، نه‌لاریجانی‌و نه مسجدجامعی، در سال ۱۳۸۵ و در زمانی که صفاهرزندی مسئولیت ارشاد را بر عهده گرفته و احمدی‌نژاد یک سالی می‌شد بر‌صندلی ریاست جمهوری تکیه زده بود. این‌بار جامعه از هنرمندان سینما و تلویزیون به دیدار رهبر انقلاب می‌روند؛ «دوستان به مسئله قصه‌نویسی اشاره کردند. بله، من عقیده‌ام این است ما ضعیفیم.» حالا دیگر اشاره رهبر انقلاب به موضوع قصه و فیلمنامه در آثار سینمایی به خصوص آثار دفاع مقدس، آقدری تکرار شده که دیگر می‌شود حدس زد که رهبر انقلاب در دیدارهایش با هنرمندان قطعاً اشاره‌ای به این موضوع می‌کند.

حالا از آن سخنرانی‌ها حدود ۱۸ سال می‌گذرد و به نظر می‌رسد که دغدغه‌ها و موضوعات اصلی حالانغیر کرده باشند، اما باز هم سخنرانی دیگری منتشر می‌شود و نشان می‌هد رهبری از هم دغدغه‌های همان سال‌ها را در نظر دارند، دغدغه‌ای که حالا در زبان دیگری مطرح می‌شود؛ «صرف ساختن فیلم کافی نیست؛ ممکن است یک فیلمی را زحمت بکشند بسازند، بیننده هم نداشته باشد. کبیا نگاه‌کنند. فیلمی که کارگردانی خوب نداشته باشد، ساخت خوب نداشته باشد، مضمون خوب نداشته باشد، شیرین و زیبا نباشد، خب زحمت کشیدید، پول خرج کردید، کسی هم به این فیلم نگاه نمی‌کند! بویود سراغ بهترین کارگردان، بهترین سناریونیوس و فیلمنامه‌نویس، بهترین پشتیبان و تهیه‌کننده؛ بویود سراغ اینها. به جای ۱۰ فیلم، دو فیلم بسازید، منتها دو فیلمی که وقتی پخش شد، همه بگویند که باز هم پخش کن.»

تکرار یک موضوع نزدیک به ۳۱ سال نشان می‌دهد آنچه در سینمای ایران و

به‌خصوص دفاع مقدس در حال وقوع است. آنچنان‌که برخی از مسئولان می‌گویند خوب و مطلوب نیست، حجم آثار نوشتاری و تصویری و بنیادها و سازمان‌هایی که در حوزه دفاع مقدس کار می‌کنند کم‌نویسند، اما مجموعه این اتفاقات هنوز هم

نتوانسته سینمای دفاع مقدس را به سطح مطلوب برساند. اگر نگاهی به فضای

سینما و هنر و رسانه کشور بیندازیم حتی در دیدگاه منتقدان و تماشاگران هم مسئله قصه به چشم می‌خورد. فیلمنامه‌ها و ضعف در قصه پردازی‌ها به حدی چشمگیر می‌شود که حتی در جشنواره‌های ۱۰ سال اخیر نقل دهان منتقدان شده

است؛ فیلمنامه و فیلمنامه و فیلمنامه. درصحبت‌های اخیر رهبر انقلاب، به جز مسئله فیلمنامه به حجم هزینه‌های خرج شده در فیلم‌ها هم توجه می‌شود. حجم هزینه‌هایی که در سال‌های اخیر درباره دفاع مقدس خرج می‌شود، وضعیتی را

پدید آورده که حالا خروجی این فیلم‌ها هم مسئله شده است. ما در این گزارش

به بررسی ۸ اثر ضعیف دفاع مقدسی پرداختیم، آثاری که نه توانستند اقبال مخاطبان را جلب کنند و نه تأیید منتقدان را گرفتند.

### دسته دختران

منیر قیدی آقدر دغدغه قصه گفتن از زن‌ها را داشت که در دومین کارش هم به سراغ گروهی از دختران و زنان رفت. «دسته دختران» دومین تجربه او بعد از ساخت فیلم سینمایی موفق «ویلانی‌ها» بود. دسته دختران که می‌تواند جزه فیلم‌هایی با پروداکشن بزرگ باشد، روایت پنج زنی است که هرکدام با داستانی متفاوت، دور هم جمع شده‌اند. تکیه کریمی که به خاطر بازی نسبتاًضعیفش با انتقادهای زیادی رویه رو شد، با گریم و ظاهری متفاوت از دیگر فیلم‌هایش حضورپیدا کرده بود. فرشته حسینی به صورتی ظاهر شده که نه‌تنهادر فیلم، بلکه حتی انگار برای آن دوره و زمانه هم وصله‌ای ناجور حساب می‌شود. حسینی که به‌طز عجیبی امروزی است، تصویری متفاوت از خود به جای گذاشته. شاید همین تصویر متفاوت و باعث شد تا هیئت داوران جشنواره چهلیم، به او دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش مکمل زن را بدهند.ا پانته‌آ پناهی با ظاهری شبیه به فیلم «خروج» نقش آفرینی به نسبت بهتری از دیگران داشت. ضلع چهارم این گروه، هدی زین‌العابدین است. او که در قامت یک دانشجوی پزشکی به آنها اضافه می‌شود، خانه بزرگی به عنوان «مقر» را در اختیار آنها قرار می‌دهد. این مربع که با حضور صدف عسگری به پنج ضلعی تبدیل می‌شود، می‌خواهد مخاطب را بدون هیچ هدفی صرفاً سرگرم کند.

دسته دختران با وجود اینکه سه نویسنده داشت اما اقتباسی از یک رمان یا



چند داستان مختلف هم بود. اما این‌ها برای آنکه ضعف فیلمنامه را محو کرده و سرعت فیلم را از کندی نجات دهد، کافی نبود. در فیلم سینمایی دسته دختران، قصه و روایت فدای اهمیت زیاد به تکنیک شده است. تا حدی که آقدر شلیک و جنازه نشان داده می‌شود که حوصله بیننده را سر می‌برد. البته باتمام این‌تقد‌ها، جلوه‌های بصری فیلم برنده اعلام شد. علاوه‌براین، فیلم دارای عمق نیست. تنوع شخصیت‌ها باعث می‌شود تا قصه‌ها ناقص روایت شود و در سطح به‌مانند. دسته دختران می‌توانست زنان قهرمانی را در سینمای ایران به وجود بیاورد و شخصیت‌های ماندگاری خلق کند اما به خاطر اشتباهاتی که داشت مانع از رخ دادن چنین اتفاقی شد. امروزی کردن بی دلیل شخصیت‌ها، دیالوگ‌ها و فاصله‌گرفتن از ذات مستندگونه این سبک از فیلم‌ها، نتوانسته به غنای تصویری و روایی فیلم کمک‌کند.

### دست ناپیدا

نوروز ۱۳۴۲ برای اولین‌بار خیر ساخت این فیلم منتشر شد. خبرگزاری تسنیم، ۱۵ فورردین در مصاحبه‌ای با انسیه‌شاه‌حسینی نوشت؛ «این فیلم با الهام از دو کتاب «حوض خون» و «چایخانه» ساخته می‌شود و درباره تلاش و مجاهدت زنانی است که پشت خطوط جنگی و جبهه‌ها به کمک رزمنده‌ها رفته‌اند.» اما به‌مرور تا جایی پیش‌رفت که شاه‌حسینی اقتباس وارد و فیلم را برگرفته از خاطرات شخصی‌اش معرفی کرد. داستان اقتباس کردن یا اقتباس نکردن شاه‌حسینی آقدر کش آمد که تا ایام جشنواره هم رسید اما با پخش فیلم، مسئله دیگر تنها اقتباس نبود، بلکه ساخت همچنین اثر ضعیفی ورودش به جشنواره باعث شد انتقادهای زیادی به هیئت انتخاب وارد شود.

کتاب حوض خون، روایتگر زنانی است که در رختشوی خانه بیمارستان شهید کلاتری اندیشک مشغول فعالیتند و به سست‌وشوی البسه رزمندگان می‌پردازند. داستان فیلم هم نزدیک به کتاب است؛ روایت عکاسی به نام لیلاست که به علت مشکل مالی به همراه گروهی برای عکاسی جنگ به جبهه می‌آید اما به دلایلی از گروه‌جا می‌ماند و مجبور می‌شود به خانم‌های فعال در رختشوی خانه اندیشک بپیوندد. حال و هوای رختشوی خانه و بانوان فعال در آن، لیلا را وار به ماندن می‌کند و او به جای عکاسی در جبهه، فعالیت در رختشوی خانه را انتخاب می‌کند.

باینکه ساخت این فیلم، اولین تجربه انسیه‌شاه‌حسینی نبود، اما آقدر در بدیهیات سطح ضعیف ظاهر شده بود که هیچ جای دفاع از این اثر نمانده بود. برای مثال در برخی سکانس‌ها، با تصاویری مواجه می‌شویم که برای فردی که نامش کارگردان است، بسیار بعید به نظر می‌رسد یا دیالوگ‌هایی می‌شنویم که خنده‌دار است. همچنین حضور خرده‌داستان‌ها در کنار سوزه اصلی، باعث شده تا با ملغمه‌ای مواجه باشیم. بااین حال، دست‌ناپیدا در جشنواره جهود دوم فجر، برنده سیمرخ جلوه‌های ویوئو شد. به‌اادان به تولیداتی که شان جشنواره و هیئت انتخاب و داوران را زیر سوال می‌برد، موضوعی است که هنوز جای تعجب دارد!

### شب بخیر فرمانده

فیلم «شب بخیر فرمانده» محصول سال ۱۳۸۴ است. شاه‌حسینی که خودش نویسنده و کارگردانی این کار را برعهده داشته، داستان خبرنگار جنگی را روایت می‌کند که هنگام عملیات از بقیه همراهانش جدا می‌افتد. عدم شناخت او از منطقه و وضعیت بد جوی او را با مشکلات و شرایط خاصی رویه‌رو می‌کند؛ که این خود آغاز ماجراست. تک خطی فیلم، داستانی جذاب دارد اما متأسفانه شاه‌حسینی نتوانسته این را در تصویر دربیابد.

در شب بخیر فرمانده گم شدن زن و قرار گرفتن او در فضای مردانه و خشن جبهه زمینه‌قرارگرفتن او در قلبی مردانه را فراهم می‌کند. موقعیتی که موجب خلق تعلیق و تغییر سطح روایت می‌شود. به این مفهوم که قهرمان قصه فقط دچار تضاد با محیط اطراف نیست، بلکه هویت پنهان او موقعیت طراحی شده را ارتقا می‌دهد. یکی از تقد‌های اصلی به فیلم، مربوط بروز رفتارهای مردانه از یک زن است. علی‌رغم قرارگرفتن شخصیت اصلی داستان در موقعیتی خاص و نامتعارف به‌عنوان یک زن، فیلم نتوانسته به دفاع مقدس از زاویه دید یک زن بپردازد و نگاهی متفاوت به آن داشته باشد. درنتیجه، فیلم نتوانسته ابعاد انسانی و جزئی‌نگرانه‌ای از دفاع مقدس و جنگ را از دید یک زن به مخاطب نشان دهد. همین اتفاق باعث شده تا تصویر یکسانی از مردان و رزمندگان در این جنگ به نمایش گذاشته شود. سطحی‌نگری یکی دیگر از مشکلات اساسی شب بخیر فرمانده است. فیلم در بخش‌هایی از داستان به سنت‌های قومی و مسائل فرهنگی باز می‌گردد و تلاش می‌کند شخصیت اصلی را درگیر این مسائل کند. بااین حال، در این بخش، فیلم به شکلی غریباجایی و سطحی به موضوعات پرداخته و نتوانسته به‌طور عمیق‌تر با آنها ارتباط برقرار کند. نقدی که به این بخش وارد است این است که داستان به دلیل ضعف دراماتیک در این قسمت، نتوانسته آن‌طور که باید به گره‌گشایی بپردازد و تنها با استفاده از تمهیدات روایی برای پوشش دادن این بخش‌ها، داستان را پیش‌برده است. درمجموع، شب بخیر فرمانده فیلمی است که با وجود برخورداری از پتانسیل‌های داستانی، نتوانسته در تصویر هم خوب ایفای نقش‌کند و در نهایت در ارائه نگاه متفاوت و جدید نسبت به دفاع مقدس، موفق نبوده است.

### زیباتر از زندگی

مخاطب‌مانند کلاف سردرگم دور خودش می‌چرخد، شاید چیزی از ساخته‌انسیه‌شاه‌حسینی متوجه بشود. «زیباتر از زندگی» ساخته شاه‌حسینی در دهه ۹۰، که

دورمرد زندگی شهید علم‌الهدی است اما نکته اصلی اینجاست اصلا کارگردان به شخصیت این شهید به درستی نپرداخته. شخصیتی که مخاطب از شهید علم‌الهدی دارد، شخصیتی علمی و محکم بود، اما این فیلم شخصیتی فانتزی از این شهید ساخته است، داستان فیلم نیز بسیار فانتزی است؛ صحبت‌ها، بازی‌ها، روابط بین افراد و شخصیت‌پردازی هم فانتزی است.

کارگردان مدعی است داستان علم‌الهدی را به تصویر کشیده است ولی در حقیقت ما چیزی خاصی از علم‌الهدی نمی‌بینیم. مشکل اکثر فیلم‌های انسیه‌شاه‌حسینی اما کم‌رستق بودن آنهاست. رعایت نکردن ضرباهنگ و ریتم در فیلمنامه و ساختار تر اکثر ساخته‌های این کارگردان سبب شده تا در ردیف آثار درجه دو سه سینمای ایران قرار بگیرند. زیباتر از زندگی به نوعی درجاذن انسیه‌شاه‌حسینی در موضوع مورد علاقه‌اش یعنی سینمای جنگ محسوب می‌شد. کتاب «حماسه هویزه» اثر نصرت‌الله محمودزاده به بخشی از زندگی شهید علم‌الهدی می‌پردازد و کارگردان می‌توانست با نگاهی به این اثر دقیق‌تر به زندگی این شهید بپردازد. علم‌الهدی در این فیلم امتداد و شخصیتی ندارد؛ فعالیت‌های فکری، مبارزات قبل از انقلاب، زندان و شکنجه‌های ساواک، مسائل زمان جنگ و غیره در این فیلم به خوبی نمایش داده نشده است. در این فیلم شهری به نام هویزه وجود ندارد! اگر اطلاعات راجع به شخصیت این شهید در همین مقدار است باید در کنار آن داستان به گونه‌ای پرداخته و حواشی در آن شاخ و برگ داده می‌شد که فیلم جالبی از کار در بیاید.

نکته مهم اینجاست که برخی معتقدند همین‌که فیلم‌هایی در حوزه دفاع مقدس ساخته می‌شود کافی است، حتی اگر فرم و روایت درستی ندارد. اگر یک فیلم جنگی به این صورت ساخته شود، ولی اینکه در گفتمان انقلاب اسلامی تعریف شود، به همان اندازه می‌تواند ضربه زنده باشد.

### مجروح جنگی

در میان آثاری که به آن‌ها پرداخته‌ایم شاید مجروح جنگی از متفاوت‌ترین آثار و البته کمتر شنیده‌ترین‌ها م‌د. در آثار سینمای دفاع مقدس است. اگر مجروح جنگی در سال‌های اخیر ساخته شده بود می‌توانستیم دیده نشدن این فیلم را مربوط به صف‌اکران فیلم‌های کم‌دیدی بدانیم یا این‌طور بیهانه‌هایی را برایش بیابویم اما مجروح جنگی در زمانی نمی‌فرودشد که اتفاقاً اقبال نسبت به فیلم‌های جنگی کم هم نبوده است. سال ۷۷ است اصغر نصیری پشت دوربین این اثر قرار گرفته بود اما هزینه‌های خود به سراغ آثری جنگی رفته است. عبدالرضا آشتیانی، رسول توکلی، سید محسن خرم درو و هوشنگ منصورخاکی در قامت بازیگران اصلی این فیلم قرار گرفته‌اند. مجروح جنگی به عنوان اولین اثر نصیری از پختگی لازم برخوردار نیست و نمی‌تواند به قصه انسیه‌شاه‌حسینی آطور که باید بپردازد. از طرفی این فیلم میان اولین فیلم‌های دفاع مقدسی آن سال‌ها حرفی برای گفتن ندارد و نمی‌تواند مخاطب را جذب کند. این‌را هم باید گفت که مجروح جنگی عملاً بازیگران چه‌رایی هم ندارد که بتواند مخاطب را با خود همراه کند.

داستان مجروح جنگی از این قرار است که در جریان حمله عراق به ایران، یکی از روستاهای کردنشین شناسایی و قرار می‌شود یک گروه از نیروهای عراقی به روستای مزبور حمله کند. آنها قصد دارند با زدن زاغه‌های مهمات، سکوی موشکی خودشان را به آن منطقه برای حمله به شهرهای غرب ایران منتقل کنند. سید قاسم خرم دره همراه تعدادی از بسیجی‌های رزمنده برای شناسایی و نجات روستاییان، اعزام آن منطقه می‌شود ولی عملیاتشان توسط نیروهای ضدانقلاب لو می‌رود و محاصره می‌شوند. از طرفی، در مقر فرماندهی ایران، تصمیم گرفته می‌شود با توجه به دشواری راه آن توسط نیروهای متخصص، از سبحان که از دوستان خرم دره بوده و از افراد متخصص نیز هست، دعوت به همکاری شود. سبحان نیز با انتخاب همراهان خود مرتضی، جواد، جمال، حسین و رسول برای رهایی خرم دره و اهالی روستا اعزام آن مناطق می‌شوند. در نبرد سختی بین نیروهای عراقی، به رقم شهادت تعدادی از رزمندگان از جمله سید قاسم خرم دره، روستاییان از جنگ دشمن‌رهایی می‌یابند.

### گل‌گواه شیطان

گل‌گواه شیطان، مقطع زمانی بین سال‌های ۶۲ تا ۶۴ را روایت می‌کند و در آن عملیات هوایی و جنگ درآب و خشکی را به تصویر کشیده است. حمید بهمنی، کارگردان این فیلم معتقد است: «اولین مسئله‌ای که در گل‌گواه شیطان» به چشم می‌آید این است که اکثر آثار دفاع مقدسی عرضه شده در طول این سال‌ها همواره به بیان آسیب‌شناسی مسائل جنگی بر جامعه و وجود شرایط بحرانی تاریک و غم‌انگیز جامعه اشاره کرده ولی این فیلم با هدف به تصویر کشیدن مقدمات یک عملیات بزرگ و موفق دفاع مقدس تهیه شده و به سیاه‌نمایی‌ها پایان داد.» اما گل‌گواه شیطان نه فیلم خوبی است نه در گیشه موفق بود؛ در گروه سینمایی خاص روی پرده رفت و خیلی زود از همان چند سالن محدود هم برداشته شد. تأکید بر عنصر جذابیت یکی از نکات مهم در فیلم‌های دفاع مقدسی است که برخی از کارگردان‌های این حوزه از آن غافلند. اگر صرفاً و بدون در نظر گرفتن حقایق جنگ به کار گرفته شود، نتیجه‌اش می‌شود همان سینمای تجاری که حدود ۲۰ سال پیش رواج داشت و اگر صرفاً حقایق و ارزش‌ها مدنظر قرار بگیرند، نتیجه‌اش می‌شود گل‌گواه شیطان که برای مردم عادی جذابیتی ندارد. اما چرا؟ وقایع و حقایق جنگ نکاتی‌اند که با تحقیق می‌توان به آن نزدیک شد؛ و نه اینکه رسید، چون اساساً بحث حضور در جنگ و تجربه خط مقدم، چیزی است که با هزاران تحقیق و پژوهش نمی‌توان به آن رسید. به همین دلیل هنوز هم کل سینمای دفاع مقدس زمانی‌توان همپای مستندهایی‌مانند «روایت فتح»

## مخاطب تأکید رهبری

## برساختن آثار با کیفیت چه کسانی‌اند

# علیه سینمای آبجی

گرفت که در دل حادثه و واقعه، روایتگری می‌کردند. بحث جذابیت اما بر خلاف پژوهش، ربط زیادی به واقعگرایی و مستندنمایی ندارد. این بخش شامل مواردی می‌شود که به تخصص عوامل فیلم برمی‌گردد. داشتن قصه‌ای خوب که حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشد، اصل اولیه است. متأسفانه در سال‌های اخیر قصه‌های جنگی انتخاب شده توسط فیلمسازان، مایه لایم را برای تبدیل شدن به یک فیلم ماندگار نداشته‌اند و تکرار فیلم‌های قبلی بوده‌اند. در این خصوص گل‌گواه شیطان، گام اول را به درستی برمی‌دارد. یعنی بهمنی به سراغ قصه‌ای رفته که کمتر کسی در سینمای جنگ بدان پرداخته است. اما لقمه بزرگ را از جایی می‌خورد که اولامکانات کافی و تکنسین‌های وارد و آرایبر نمایش درست صحنه‌های اکشن نداشته و ثانیاً همین قصه تازه و خوب را با پرداختی سطحی و کلیشه‌ای ضایع کرده است.

### مستطیل قرمز

تله‌فیلم «مستطیل قرمز» به کارگردانی سید جمال سیدحاتمی یکی از آثار تلویزیونی است که در دهه‌های اخیر با موضوع دفاع مقدس و بازگشت رزمندگان به زندگی پس از جنگ تولید شده است. داستان این تله‌فیلم در پی کشمکش‌های درونی و بیرونی شخصیت اصلی‌اش است که در جست‌وجوی هویت و درک زندگی جدید خود در دوران پس از جنگ است. فیلم با بهره‌گیری از زبان سینمایی تلویزیونی، داستانی به نسبت ساده و قابل لمس دارد، ولی برخی نقدهایی که به آن وارد شده، به ضعف‌های ساختاری و محتوایی فیلم مربوط می‌شود. داستان مستطیل قرمز حول محور جانباخت جنگی به نام «کریم» می‌چرخد که پس از پایان جنگ به خانه بازمی‌گردد و با مشکلات متعددی در زندگی شخصی و اجتماعی مواجه می‌شود. او از نظر جسمی و روحی آسیب دیده و باید تلاش کند خود را با شرایط جدید جامعه و روابط خانوادگی تطبیق دهد. داستان از جایی شروع می‌شود که او با خاطرات جنگ و تأثیرات آن بر ذهن و روان خود دست‌وپنجه نرم می‌کند، درحالی‌که تلاش دارد در محیط اجتماعی و خانوادگی‌اش جایگاه خود را پدیدآورد. در این مسیر، او با چالش‌هایی چون عدم پذیرش کامل از سوی اطرافیان و مشکلات در ایجاد ارتباطات عاطفی مواجه می‌شود.

یکی از مهم‌ترین نقدهایی که به این فیلم وارد شده، مربوط به پرداخت سطحی به مسائل روانی شخصیت‌های اصلی به ویژه شخصیت جانباخت (کریم) است. فیلم به مشکلات روحی و روانی جانباختن پرداخته، اما برخی منتقدان معتقدند این مسائل به‌طور عمیق‌تری بررسی نشده‌اند و تنها به نمایش دادن برخی واکنش‌ها و رفتارهای او اکتفا شده است. این یک معنی در پرداختن به جنبه‌های روانی و ذهنی شخصیت‌ها باعث می‌شود مخاطب نتواند به‌طور کامل با درگیری‌های درونی شخصیت‌ها هم‌ذات‌پنداری کند.

در نهایت «مستطیل قرمز» تله‌فیلمی است که با هدف پرداخت به موضوعات مربوط به جنگ و بازگشت رزمندگان به جامعه پس از جنگ ساخته شده است. با وجود تلاش‌های فیلمساز برای نمایش درگیری‌های درونی و مشکلات فردی و اجتماعی شخصیت‌ها، می‌توان تقد‌های زیادی از جمله پرداخت سطحی به مشکلات روانی شخصیت‌ها، تکراری بودن موضوع جنگ، عدم نوآوری در روایت و ضعف در نمایش روابط انسانی اشاره کرد.

### ۲۸۸۸

بیژن افسر کنترل شکاری در اتاق تارک عملیات در انتظار بازگشت عباس دوران و محمود اسکندری دو خلبان هواپیمای اف‌۱۴ است که برای بمباران به بغداد حمله کرده‌اند. برای لو نرفتن عملیات، بیژن باید سکوت رادویی را حفظ کند.

این داستان فیلم کیوان علیمحمدی است که در جشنواره فجر چهلیم با نامش تعجب افراد زیادی را برانگیخت اما فیلم علیمحمدی با نون ساخت متفاوت، فضای سیاه‌وسفید، در ابتدا نوید اثر متفاوتی را به مخاطبان می‌داد اما در ادامه اتفاقات مشتبی برای این اثر رقم نخورد.

به حدی که برخی منتقدان این فیلم را فاجعه دانستند. این فیلم با محور قرار دادن موضوعی مهم و ارزشمند بزرگ‌ترین خیانت را به معنارده، چون با پرداخت بسیار بد و نامأنوس خود، باعث شده مخاطب از اثر فراری شود. فیلم درباره رشادت خلبانان هشت سال دفاع مقدس است اما افسوس این معنا به هیچ وجه خوب از کار در نیامده است.

منتقدان و مخاطبان، «۲۸۸۸» و شبیه هیچ‌یک از فیلم‌های جنگی حاضر در جشنواره و البته ساخته‌های جنگی سینمای ایران تا امروز ندانسته‌اند. درجه نگاه کیوان علیمحمدی به جنگ این‌بار از داخل کابین خلبان‌هاورسیستم‌های سایت راداری پدافند ارتش است. دوربین او برخی اوقات داخل کابین خلبان و برخی اوقات میان کادری‌های داخل سوباشی بود. البته خانواده‌های این رزمندگان از نظر فیلمساز غافل نمانده بودند.

۲۸۸۸ عملیات‌های پدافند هوایی را از نگاه ارتشی‌های داخل سایت راداری روایت می‌کند. هرچند برخی اوقات صحنه‌هایی از فضای عملیاتی نشان داده می‌شود، اما حقیقت اتفاقات در سایت بیان می‌شود. صدای خلبانان که مشغول مکالمه با شخصیت‌هایی مانند بیژن و محمودند، روایت فیلمساز را کامل می‌کند. گذر زمان در فیلم با نمادهایی‌مانند تغییر درجه کادری‌های ارتش به مخاطب نشان داده می‌شود و تنها تاریخ مندرج در فیلم، هدف قرار گرفتن سایت سوباشی است. خلاقیت علیمحمدی در نهایت نتوانست آنچنان‌که باید فیلم را در اکران نجات دهد و ۲۸۸۸ در اکران هم عملکرد موفقی نداشت و در لیست آثار کم‌استقبال جشنواره فجر در اکران قرار گرفت و فروشش به یک میلیارد تومان هم نرسید.